

دیدگاه‌های دربارهٔ ایران

لین شافیلد کلارک
برگردان: سعید نها

اشاره

دکتر لین شافیلد کلارک^۱ استادیار و مدیر مرکز بین‌المللی روزنامه‌نگاری و رسانه‌های جدید ایستلو^۲ در دانشگاه دنور^۳ است. وی یک جامعه‌شناس تفسیری^۴ است که چگونگی کنش‌های مخاطبین رسانه‌های دیجیتال در رابطه با موضوعات هویت، روابط خانوادگی و ایدئولوژی‌ها و باورهای اجتماعی را بررسی می‌کند. اولین کتاب وی با نام از فرشتگان تا بیگانها: نوجوانان، رسانه و موجودات ماوراءالطبیعی^۵ به کاوش دربارهٔ این مسأله می‌پردازد که جوانان با گرایش‌های متنوع و غیردینی، داستان‌های عوامانه دربارهٔ موجودات ماوراءالطبیعی در رابطه با مفاهیم معنوی و دینی را چگونه تفسیر کرده‌اند. این کتاب به جایزهٔ بهترین کتاب محققانهٔ انجمن ملی ارتباطات^۶ از بخش قوم‌شناسی^۷ را دریافت کرد.

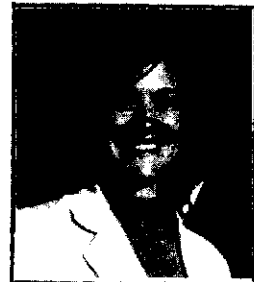
وی همچنین یکی از نویسندگان کتاب رسانه، خانه و خانواده^۸ است و به بررسی این مهم می‌پردازد که خانواده‌ها چگونه خط‌مشی‌های رسانه‌ای را بنا می‌نهند و این خط‌مشی‌ها چگونه با کنش‌های هویتی‌ساختی^۹ خانواده مرتبط هستند. کلارک، نویسندهٔ کتاب دین، رسانه و بازار^{۱۰} و یکی از ویراستاران کتاب دین در عصر رسانه^{۱۱} است. آثار وی همچنین در نشریهٔ ارتباطات،^{۱۲} نشریهٔ پژوهش‌های انتقادی در ارتباطات رسانه‌ای،^{۱۳} نشریهٔ رسانه‌های جدید و جامعه،^{۱۴} نشریهٔ پژوهش علمی دین^{۱۵} و در چندین کتاب چاپ شده و نشریهٔ متعدد دیگر منتشر شده است.

تحقیقات کلارک در نیویورک تایمز، شبکه‌گو تریبون، ال.ای. تایمز، بوستون گلوب، هالیوود ریپورتر، ایندپینندنت (پادشاهی بریتانیا)،^{۱۶} و دیگر نشریات به چاپ رسیده است؛ در BBC-NPR.CNN

Radio و PBS برنامه‌های مهمی داشته و در این محافل برای مخاطبین سخنرانی ایراد کرده است:

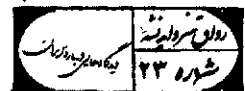
هاروارد، آکسفورد، دانشگاه کارولینای شمالی، دانشگاه ایندیانا، مجمع عمومی کلیسای رزبیتاری (ایالات متحدهٔ آمریکا)، آکادمی دین آمریکا، انجمن بین‌المللی ارتباطات، انجمن مردم‌شناسی آمریکا، انجمن

آموزشی روزنامه‌نگاری و ارتباطات رسانه‌ای و رخدادهای ملی و بین‌المللی بی‌شمار دیگر.



دکتر لین شافیلد کلارک

1. Lynn Schofield Clark.
2. Eslow International Center for Journalism and New Media.
3. University of Denver.
4. Interpretive sociologist.
5. From Angels to Aliens: Teenagers, the Media, and the Supernatural (Oxford University Press, 2003/2005).
6. National Communication Association's Best Scholarly Book Award.
7. Ethnography Division.
8. Media, Home, and Family (Routledge, 2004).



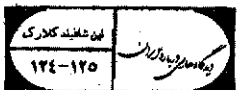
کلارک، عضو هیئت مدیره انجمن ارتباطات بین‌المللی^{۱۷} است و ریاست بخش ارتباطات همگانی^{۱۸} را نیز بر عهده دارد. وی همچنین در هیئت ویراستاری نشریات رسانه جدید و جامعه، ارتباطات همگانی، ارتباطات و دین به کار مشغول است.^{۱۹} او عضو هیئت مشاوره دانشگاهی پروژه زندگی آمریکایی^{۲۰} می‌باشد و عضو کمیسیون تحقیق بین‌المللی درباره رسانه، دین و فرهنگ^{۲۱} نیز بوده است. کلارک سابقاً یک تولیدکننده تلویزیونی و متخصص بازاریابی بوده است. کلارک در رشته‌های رسانه جدید، روزنامه‌نگاری تناوبی، تاریخچه رسانه و پژوهش‌های فرهنگی-انتقادی و شیوه‌های تحقیق کیفی تدریس می‌کند.

و اما بعد...

از میان حدود ۳۰ نفری که در اولین همایش دین و رسانه در تهران شرکت کرده بودند، سه نفر زن حضور داشتند؛ یک استاد، یک دانشجوی فارغ‌التحصیل که هر دو از دانشگاه تهران بودند و من تنها زن غربی بودم که به نظر می‌رسید در موقعیتی قرار گرفته‌ام که از دید ایدئولوژیک و سمبلیک، کاملاً بسته‌بندی شده‌ام؛ چراکه این مسئله تنها به بر سر گذاشتن یک روسری ختم نمی‌شد. این آن چیزی بود که من می‌خواستم در یک اظهارنظر مختصر اعلام نمایم.

قرار بود تا مقاله من در بعدازظهر دومین روز همایشی که در دانشگاه تهران برگزار می‌گردید، ارائه شود. طی اولین روز قصد داشتم تا به بعضی از دانشجویان دوره کارشناسی توضیح دهم که مقاله‌ام درباره چگونگی تاثیرگذاری تبلیغات و آرم‌های تجاری بر راه و روش فکری غربیانی است که خود را مذهبی می‌دانند. در این هنگام با لبخندهایی مودبانه یا نگاه‌هایی متعجبانه روبه‌رو می‌گردیدم؛ فهمیدم که برای آمادگی سخنرانی به چهارچوبی نیاز دارم که موضوع مدنظر تحقیق را بهتر تبیین نماید. در نتیجه با استفاده از اسلایدهای پاورپوینت شرح دادم که چگونه آمریکا و ایران در محبت رسانه و دین در جایگاه‌های متفاوتی قرار می‌گیرند. همچنین اشاره کردم که در آمریکا رسانه‌ها بر پایه‌های تجاری فاعلند درحالی‌که در ایران رسانه‌ها دولتی هستند. در ادامه گفتم که در آمریکای کنونی یک اتحاد ایدئولوژیک بین شاخه‌های محافظه‌کار دین مسیحیت، سرمایه‌داری و انواع سیاست‌هایی که مشروعیت خود را از نظام سیاسی و ابتکارات بین‌المللی آن کسب می‌کنند، وجود دارد ولی در ایران مشاهده کردم که به نظر می‌رسد یک اتحاد ایدئولوژیک بین دیدگاه‌های مارکسیستی - سوسیالیستی و دین اسلام به ویژه در هنگام انقلاب وجود داشته و به این نکته اشاره کردم که رسانه‌های ایران در یک سیستم دولتی کار می‌کردند. سپس به سراغ ارائه مقاله‌ام رفتم که نامش آرم‌های تجاری در زندگی دینی^{۲۲} بود. به عبارت دیگر قصدم از ارائه این مقاله، شناسایی یک فرد مذهبی از راه خرید محصولات تجاری با توجه به ذائقه فرهنگی او بود.

9. Identity-construction practices
10. Religion, Media, and the Marketplace (Rutgers , 2007).
11. Practicing Religion in the Age of the Media (Columbia University Press, 2002).
12. Journal of Communication.
13. Critical Studies in Media Communication.
14. New Media & Society.
15. Journal for the Scientific Study of Religion.
16. The New York Times, Chicago Tribune, LA Times, Boston Globe, Hollywood Reporter, the Independent (U.K.).
17. International Communication Association.
18. Popular Communication Division.
19. New Media & Society , Popular Communication and Communication & Religion.
20. Academic Advisory Board for the American Life Project.
21. International Study Commission on Media, Religion, and Culture.
22. religious lifestyle branding



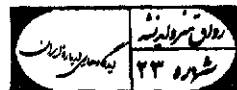
در طول ارائه مقاله، دو نفر از افرادی که در این روز به ارائه مقالاتشان پرداختند، با یکدیگر صحبت می‌کردند و توجه مرا که نه ولی همکارم را به خود جلب کردند در پایان سخنرانی‌ام یکی از مردانی که در جلسه مانده بود، تلاش داشت تا با من به جالش برخیزد. او با اشاره به این نکته بحث خود را آغاز کرد که:

من در دوران انقلاب زندگی کردم و بسیار درباره انقلاب تدریس نمودم و می‌توانم به شما درباره ادعایتان که مارکسیست‌ها بخشی از انقلاب بوده‌اند، بگویم که اشتباه کرده‌اید و این گفته اعتباری^{۳۳} ندارد؛ بلکه انقلاب دینی رخ داده است. ما مارکسیست نیستیم. همان‌گونه که کاپیتالیست هم نیستیم.

من از نقاد فوق به دلیل این سوءتفاهم معذرت خواسته و عبارت‌م را به این شکل اصلاح کردم که منظوم به هیچ‌وجه این نبوده که مارکسیست‌ها این انقلاب را صورت دادند؛ بلکه به نظر می‌رسد پیروزی این انقلاب دست‌کم بر معیارهای مارکسیستی - که معتقد به جامعه‌ای طبقه بندی شده است و نیز تلاش دارد تا نظام اجتماعی‌ای را پایه‌ریزی نماید که عدالت و برابری آن چیزی بیش از رژیم شاه بوده - تکیه داشته است. سپس اضافه کردم که به نظر می‌رسد رهبران مسلمان از بعضی جهات مانند روشنفکران نهادی عمل می‌کنند که در نظریه آنتونیو گرامشی آمده است و به این شکل انقلاب متولد شد. استاد دیگری در همان زمان گفت که ما نیازی به اجازه گرفتن از گرامشی جهت انجام انقلاب خویش نداشته‌ایم.

هم‌چنین باید اشاره کنم که بسیاری از دانشجویان و اعضای دانشکده، نقدهایی بر استیلای سرمایه‌داری بر غرب داشتند که به نظر می‌رسید ناشی از ارائه مقاله من باشد شاید ایران در بسیاری از موارد ضعیف باشد ولی بسیاری از ساکنان آن معتقدند که سرمایه‌داری یگانه راه دستیابی به مدرنیزاسیون و برابری نژادها نیست. بسیاری هستند که به مقاومت در برابر تجارت‌گرایی غرب اقتضار می‌کنند و در این بررسی ارتباط مهمی بین افراد دیندار در ایران و افراد معتقد به دین در غرب دیده می‌شود. فکر می‌کنم توجه به این مسئله، بیانگر دلیل و نقطه تشکی

23. nonsense



است که وقتی غرب سعی می‌کند پل‌های ارتباطی با دیگر فرهنگ‌های متفاوت با آمریکا ایجاد نماید، به آن برخورد می‌کند.

روز بعد، فرصت دیگری جهت صحبت در همایش داشتم. در آن روز، همایش در دانشگاه صداوسیما جمهوری اسلامی ایران برگزار می‌شد. از هر یک از مهمانان بین‌المللی خواسته شده بود تا یافته‌های‌شان از اقامت کوتاه در ایران را بیان کنند.

نکته‌ای که توجه و خوشحالی من را برانگیخت این بود که چگونه و در طول انقلاب، زنان بیش از هر برهه دیگری به دانشگاه رفته و مناصب مدیریتی را به خود اختصاص داده‌اند. پیشنهاد دادم که شاید ارائه دیدگاه‌های دینی از سوی زنان در رسانه جالب باشد؛ زیرا همه برنامه‌هایی که مشاهده کرده بودم بر دیدگاه‌های مردان تاکید داشتند و کمتر توجهی به موقعیت مدیریتی زنان می‌شد. در صورتی که ایران در عالم واقع در آستانه انقلاب جنسیتی قرار داشته باشد - که این گونه به نظر می‌رسد - پس صداوسیما می‌تواند نقش مهمی در توجه بیشتر به مسائل پیش روی زنان در این کشور داشته باشد. یکی از مدیران صداوسیما به سرعت و پس از صحبت من بلندگو را گرفت و گفت:

خانم کلارک اشتباه می‌کنند! ما هیچ‌گاه در جمهوری اسلامی تبعیض جنسیتی

نداشتیم و هم اکنون نیز تنشی وجود ندارد.

او سپس ادامه داد که اسلام نسبت به غرب توجه و احترام بیشتری برای زنان قائل است و مانند رسانه‌های غرب از آنان استفاده نمی‌کند. مجری نیز از من خواست تا اگر می‌خواهم به این اعتراض جواب دهم. من گفتم که به دلیل سوءتفاهم پیش آمده معذرت می‌خواهم و تنها دوست دارم اضافه کنم درحالی که برگزارکنندگان همایش، همواره همکاران من را با نام پروفیسور هورور، پروفیسور وایت یا پروفیسور میشل صدا می‌زدند من چیزی بیش از خانم کلارک نامیده نمی‌شدم.

من یک مدرک دکترا داشته و پروفیسور نیز هستم و علاقه‌مندم تا پروفیسور نامیده شوم [!]

درحالی که مجریان، پاسخی به این صحبت من ندادند با صورتی پرافروخته و احساس عصبی



پولیتیکال کلاسیک

پولیتیکال کلاسیک

۱۲۷-۱۲۶

بودن و نزدیکی به پیروزی، خود را در جبهه اول جنیش دهه ۱۹۷۰ زنان آمریکا می‌دیدم. احساسی که پیش از آن هیچ‌گاه به این صورت آن را حس نکرده بودم.

پس از این جلسه چندین دانشجوی دختر به سوی من آمده و اظهار خوشحالی کردند. این شادمانی به دلیل اشاره‌ام به عدم تطابق بین اظهارات برابری جنسیتی و الگوهای زبانی بود که به کار گرفته می‌شد و نیز اشاره به طبقه فرودست اجتماعی در ایران که بعضی از زنان قبلاً آن را گفته بودند. بعضی از دانشجویان پسر نیز اظهار می‌داشتند که تغییرات مثبتی در روابط جنسیتی در حال رخ دادن است ولی این تغییرات بیشتر در میان نسل‌های جوان‌تر دیده می‌شود.

سومین و آخرین باری که در مجامع عمومی قرار گرفتم در هنگام جلسه پرسش و پاسخی بود که پس از جلسه‌ای که مدیران صداوسیما درباره آن چه برنامه‌های موفق زادبومی و تلویزیونی خود می‌خواندند، برقرار شده بود. من گفتم علاقه دارم که درباره معیارهایی که باعث شده است آنان، برنامه‌ها را موفق بخوانند پرسش کنم. آیا منظور این است که برنامه‌ها مخاطب زیادی داشته‌اند؟ که از دید تولیدکنندگان ارزش بالایی تولیدی داشته‌اند یا آنان برنامه‌های تولیدی را بر اساس یافته‌های اجتماعی‌ای که در آن‌ها به کار گرفته شده‌اند، رده‌بندی کرده‌اند؟

همچنین گفتم که از دیدگاه من در یک نظام رسانه‌ای تجاری، به نظر می‌رسد که یک نظام رسانه‌ای دولتی با پایه‌های قوی دینی ممکن است بیش از آن‌چه در آمریکا وجود دارد درباره مسائلی چون ارائه تفاوت‌های دینی و فرهنگی، فرصت داشته باشد و تعجبی ندارد که صداوسیما جمهوری اسلامی، سازندگان جوان خود را به سوی برنامه‌سازی‌ای برده باشد که تجزیه‌های آنان از ایران و اسلام را به روشی منحصر به فرد ارائه کنند.

پس از این صحبت، مسائل جالبی رخ داد و تعداد دانشجویان شرکت‌کننده فزونی یافت. این اولین بار در زندگی‌ام بود که می‌دیدم تعداد شرکت‌کنندگان جلسه در طول زمان افزایش می‌یابند. به دلیل ازدحام جمعیت، برگزارکنندگان ترجمه هم‌زمان را به کنار گذاشتند - از طریق مترجمی که از پشت سر و با هدفون ترجمه می‌کرد - و مترجمی را به کار گرفتند که خلاصه‌ای از مباحث مطروحه را به فارسی‌زبانان ارائه می‌کرد. اساتیدی که مترجمان هم‌زمان برای آنان وجود داشت، می‌توانستند صحبت‌های خلاصه‌شده خود را از همین طریق گوش کنند و مجدداً در جریان ترجمه ارائه‌شده از سخنان خویش قرار گیرند.

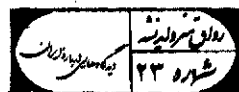
جالب بود که مترجم به طور خلاصه درباره صحبت‌های

من اظهار داشت:

خانم کلارک علاقه‌مند هستند تا جمهوری اسلامی ایران را به دلیل نظام رسانه‌ای دولتی خویش که به نیازهای متفاوت مردم پاسخ داده است، تایید نمایند.^{۱۵}

[...] ولی اصل این موضوع هر چه که باشد، به نظرم می‌رسد که با شرکت در همایش، نقش

۲۵- نامه نامه رونق هنر و قدیمه آماده است درباره این ادعای نویسنده پاسخ برگزار کنندگان همایش را چاپ کند.



چالبی را ایفا نمودم.

هرگاه که از جایگاه سخنرانی پایین می‌آمدم دانشجویان، منتظر من و همکارانم بودند تا با هم گفت‌وگو کنیم، نشانی‌های e-mail خود را مبادله و حتی عکس‌هایی با هم بگیریم. فرقی نداشت که همکاران مرد من دوست داشتند تا صحبت‌هایم را به عنوان روشنگری یا اعتراضات یک استاد ضعیف‌تر، مورد توجه قرار دهند ولی این مسئله کاملاً روشن بود که بسیاری از دانشجویان از من و فضای عمومی همایش تاثیر می‌گرفتند. در نتیجه احساس می‌کردم که باید با اشتیاق تمام به تجارب مختلفی که پس از وقت رسمی همایش ارائه می‌شد، گوش فرا دهم. این تجارب یا سختی بیشتری در دسترس قرار می‌گرفتند؛ زیرا از سخنرانی‌های همایش، انتظاراتها و نقدهای ما به عنوان کسانی که خارج از حیطه حکومت بودند، آگاه شوند. این نکته به ویژه در این مقطع تاریخی از حیات جمهوری اسلامی مورد توجه بود. دوست دارم فکر کنم که ما احتمالاً به کسانی مشروعیت بخشیدیم که قصد داشتند دولت را در جهت حرکت به سوی ایده‌آل‌ها و فشار کمتر بر مردم، به چالش بکشند که این چالش، بیشتر در حوزه روابط بین جنسیت‌ها و نحوه ارائه تفاوت‌های مذهبی و جنسیتی بود. ممکن است ایده‌آلیستی به نظر برسد ولی من هم‌چنان خوشحالم که توانسته‌ام نقشی در این ایده‌آل‌گرایی ایفا نمایم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی